

¹Now there were in the church that was at Antioch certain prophets and teachers; as Barnabas, and Simeon that was called Niger, and Lucius of Cyrene, and Manaen, which had been brought up with Herod the tetrarch, and Saul.²As they ministered to the Lord, and fasted, the Holy Ghost said, Separate me Barnabas and Saul for the work whereunto I have called them.³And when they had fasted and prayed, and laid their hands on them, they sent them away.⁴So they, being sent forth by the Holy Ghost, departed unto Seleucia; and from thence they sailed to Cyprus.⁵And when they were at Salamis, they preached the word of God in the synagogues of the Jews: and they had also John to their minister.⁶And when they had gone through the isle unto Paphos, they found a certain sorcerer, a false prophet, a Jew, whose name was Bar-jesus: Which was with the deputy of the country, Sergius Paulus, a prudent man; who called for Barnabas and Saul, and desired to hear the word of God.⁸But Elymas the sorcerer (for so is his name by interpretation) withstood them, seeking to turn away the deputy from the faith.⁹Then Saul, (who also is called Paul,) filled with the Holy Ghost, set his eyes on him,¹⁰And said, O full of all subtilty and all mischief, thou child of the devil, thou enemy of all righteousness, wilt thou not cease to pervert the right ways of the Lord?¹¹And now, behold, the hand of the Lord is upon thee, and thou shalt be blind, not seeing the sun for a season. And immediately there fell on him a mist and a darkness; and he went about seeking some to lead him by the hand.¹²Then the deputy,

اولین مأموریت برنابا و شاول

¹و در کلیسایی که در آنطاکیه بود، انبیا و معلّم چند بودند، برنابا و شمعون ملقب به نیجر و لوکیوس قیروانی و مناحیم برادر رضاعی هیرودیسی تیتراخ و شاول.²چون ایشان در عبادت خدا و روزه مشغول می‌بودند، روح‌القدس گفت: برنابا و شاول را برای من جدا سازید از بهر آن عمل که ایشان را برای آن خوانده‌ام. آنگاه روزه گرفته و دعا کرده و دستها بر ایشان گذارده، روانه نمودند.

برنابا و شاول در قبرس

⁴پس ایشان از جانب روح‌القدس فرستاده شده، به سلوکیه رفتند و از آنجا از راه دریا به قیّزس آمدند.⁵ و وارد سّلامیس شده، در کنایس یهود به کلام خدا موعظه کردند و یوحنا ملازم ایشان بود.⁶ و چون در تمامی جزیره تا به پافس گشتند، در آنجا شخص یهودی را که جادوگر و نبی کاذب بود یافتند که نام او باریشوع بود.⁷ او رفیق سرجیئوس پولس والی بود که مردی فهیم بود. همان برنابا و شاول را طلب نموده، خواست کلام خدا را بشنود.⁸ اما غلیما، یعنی آن جادوگر، زیرا ترجمه اسمش همچین می‌باشد، ایشان را مخالفت نموده، خواست والی را از ایمان برگرداند.⁹ ولی شاول که پولس باشد، پر از روح‌القدس شده، بر او نیک نگرسته،¹⁰ گفت: ای پر از هر نوع مکر و خباثت، ای فرزند ابلیس و دشمن هر راستی، باز نمی‌ایستی از منحرف ساختن طُرُق راستِ خداوند؟¹¹ الحال دست خداوند بر توست و کور شده، آفتاب را تا مدتی نخواهی دید. که در همان ساعت، غشاوه و تاریکی او را فرو گرفت و دور زده، راهنمایی طلب می‌کرد.¹² پس والی چون آن ماجرا را دید، از تعلیم خداوند متخیر شده، ایمان آورد.

پولس و برنابا در انطاکیه پیسیدیّه

¹³آنگاه پولس و رفقاییش از پافس به کشتی سوار شده، به پُزجه پمفلیّه آمدند. اما یوحنا از ایشان جدا شده، به اورشلیم برگشت.¹⁴ و ایشان از پُزجه عبور نموده، به انطاکیه پیسیدیّه آمدند و در روز سبّت به کنیسه درآمده، بنشستند.¹⁵ و بعد از تلاوت تورات و صُحُف انبیا، رؤسای کنیسه نزد ایشان فرستاده، گفتند: ای برادران عزیز، اگر کلامی نصیحت‌آمیز برای قوم دارید، بگویید.

when he saw what was done, believed, being astonished at the doctrine of the Lord.¹³ Now when Paul and his company loosed from Paphos, they came to Perga in Pamphylia: and John departing from them returned to Jerusalem.¹⁴ But when they departed from Perga, they came to Antioch in Pisidia, and went into the synagogue on the sabbath day, and sat down.¹⁵ And after the reading of the law and the prophets the rulers of the synagogue sent unto them, saying, Ye men and brethren, if ye have any word of exhortation for the people, say on.¹⁶ Then Paul stood up, and beckoning with his hand said, Men of Israel, and ye that fear God, give audience.¹⁷ The God of this people of Israel chose our fathers, and exalted the people when they dwelt as strangers in the land of Egypt, and with an high arm brought he them out of it.¹⁸ And about the time of forty years suffered he their manners in the wilderness.¹⁹ And when he had destroyed seven nations in the land of Chanaan, he divided their land to them by lot.²⁰ And after that he gave unto them judges about the space of four hundred and fifty years, until Samuel the prophet.²¹ And afterward they desired a king: and God gave unto them Saul the son of Cis, a man of the tribe of Benjamin, by the space of forty years.²² And when he had removed him, he raised up unto them David to be their king; to whom also he gave testimony, and said, I have found David the son of Jesse, a man after mine own heart, which shall fulfil all my will.²³ Of this man's seed hath God according to his promise raised unto Israel a Saviour, Jesus:²⁴ When John had first

¹⁶ پس پولس برپا ایستاده، به دست خود اشاره کرده، گفت: ای مردان اسرائیلی و خداترسان، گوش دهید! ¹⁷ خدای این قوم، اسرائیل، پدران ما را برگزیده، قوم را در غربت ایشان در زمین مصر سرافراز نمود و ایشان را به بازوی بلند از آنجا بیرون آورد؛ ¹⁸ و قریب به چهل سال در بیابان متحمل حرکات ایشان می‌بود. ¹⁹ و هفت طایفه را در زمین کنعان هلاک کرده، زمین آنها را میراث ایشان ساخت تا قریب چهار صد و پنجاه سال. ²⁰ و بعد از آن بدیشان داوران داد تا زمان سموئیل نبی. ²¹ و از آن وقت پادشاهی خواستند و خدا شاؤل بن قیس را از سبط بنیامین تا چهل سال به ایشان داد. ²² پس او را از میان برداشته، داود را برانگیخت تا پادشاه ایشان شود و در حق او شهادت داد که: داود بن یسسی را مرغوب دل خود یافته‌ام که به تمامی اراده من عمل خواهد کرد. ²³ و از ذریت او خدا برحسب وعده، برای اسرائیل نجات‌دهنده‌ای، یعنی عیسی را آورد، ²⁴ چون یحیی پیش از آمدن او تمام قوم اسرائیل را به تعمید توبه موعظه نموده بود. ²⁵ پس چون یحیی دوره خود را به پایان برد، گفت: مرا که می‌پندارید؟ من او نیستم، لکن اینک، بعد از من کسی می‌آید که لایق گشادن نعلین او نی‌ام.

²⁶ ای برادران عزیز و انبای آل ابراهیم و هرکه از شما خداترس باشد، مر شما را کلام این نجات فرستاده شد. ²⁷ زیرا سگته اورشلیم و رؤسای ایشان، چونکه نه او را شناختند و نه آوازهای انبیا را که هر سبب خوانده می‌شود، بر وی فتوی دادند و آنها را به اتمام رسانیدند. ²⁸ و هر چند هیچ علت قتل در وی نیافتند، از پیلطس خواهش کردند که او کشته شود. ²⁹ پس چون آنچه را که درباره وی نوشته شده بود تمام کردند، او را از صلیب پایین آورده، به قبر سپردند. ³⁰ لکن خدا او را از مردگان برخیزانید. ³¹ و او روزهای بسیار ظاهر شد بر آنانی که همراه او از جلیل به اورشلیم آمده بودند که الحال نزد قوم شهود او می‌باشند. ³² پس ما به شما بشارت می‌دهیم، بدان وعده‌ای که به پدران ما داده شد، ³³ که خدا آن را به ما که فرزندان ایشان می‌باشیم وفا کرد، وقتی که عیسی را برانگیخت، چنانکه در زبور دوم مکتوب است که: تو پسر من هستی، من امروز تو را تولید نمودم. ³⁴ و در آنکه او را از مردگان

preached before his coming the baptism of repentance to all the people of Israel.²⁵ And as John fulfilled his course, he said, Whom think ye that I am? I am not he. But, behold, there cometh one after me, whose shoes of his feet I am not worthy to loose.²⁶ Men and brethren, children of the stock of Abraham, and whosoever among you feareth God, to you is the word of this salvation sent.²⁷ For they that dwell at Jerusalem, and their rulers, because they knew him not, nor yet the voices of the prophets which are read every sabbath day, they have fulfilled them in condemning him.²⁸ And though they found no cause of death in him, yet desired they Pilate that he should be slain.²⁹ And when they had fulfilled all that was written of him, they took him down from the tree, and laid him in a sepulchre.³⁰ But God raised him from the dead:³¹ And he was seen many days of them which came up with him from Galilee to Jerusalem, who are his witnesses unto the people.³² And we declare unto you glad tidings, how that the promise which was made unto the fathers,³³ God hath fulfilled the same unto us their children, in that he hath raised up Jesus again; as it is also written in the second psalm, Thou art my Son, this day have I begotten thee.³⁴ And as concerning that he raised him up from the dead, now no more to return to corruption, he said on this wise, I will give you the sure mercies of David.³⁵ Wherefore he saith also in another psalm, Thou shalt not suffer thine Holy One to see corruption.³⁶ For David, after he had served his own generation by the will of God, fell on sleep, and was laid

برخیزانید تا دیگر هرگز راجع به فساد نشود چنین گفت که: به برکات قدّوس و امین داود برای شما وفا خواهم کرد.³⁵ بنابراین در جایی دیگر نیز می‌گوید: تو قدّوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را ببند.³⁶ زیرا که داود چونکه در زمان خود اراده خدا را خدمت کرده بود، بخت و به پدران خود ملحق شده، فساد را دید.³⁷ لیکن آن کس که خدا او را برانگیخت، فساد را ندید.³⁸ پس ای برادران عزیز، شما را معلوم باد که به وساطت او به شما از آمرزش گناهان اعلام می‌شود.³⁹ و به وسیله او هر که ایمان آورد، عادل شمرده می‌شود، از هر چیزی که به شریعت موسی نتوانستید عادل شمرده شوید.⁴⁰ پس احتیاط کنید، مبدا آنچه در صحف انبیا مکتوب است، بر شما واقع شود:⁴¹ که، ای حقیرشمارندگان، ملاحظه کنید و تعجب نمایید و هلاک شوید زیرا که من عملی را در ایّام شما پدید آورم، عملی که هر چند کسی شما را از آن اعلام نماید، تصدیق نخواهید کرد.

⁴² پس چون از کنیسه بیرون می‌رفتند، خواهش نمودند که در سبّت آینده هم این سخنان را بدیشان بازگویند.⁴³ و چون اهل کنیسه متفرّق شدند، بسیاری از یهودیان و جدیدان خداپرست از عقب پولس و برنابا افتادند؛ و آن دو نفر به ایشان سخن گفته، ترغیب می‌نمودند که به فیض خدا ثابت باشید.⁴⁴ اما در سبّت دیگر قریب به تمامی شهر فراهم شدند تا کلام خدا را بشنوند.⁴⁵ ولی چون یهود ازدحام خلق را دیدند، از حسد پر گشتند و کفر گفته، با سخنان پولس مخالفت کردند.⁴⁶ آنگاه پولس و برنابا دلیر شده، گفتند: واجب بود کلام خدا نخست به شما القا شود. لیکن چون آن را ردّ کردید و خود را ناشایسته حیات جاودانی شمردید، همانا به سوی امّت‌ها توجّه نماییم.⁴⁷ زیرا خداوند به ما چنین امر فرمود که: تو را نور امّت‌ها ساختم تا الی اقصای زمین منشأ نجات باشی.⁴⁸ چون امّت‌ها این را شنیدند، شادخاطر شده، کلام خداوند را تمجید نمودند و آنانی که برای حیات جاودانی مقّرر بودند، ایمان آوردند.⁴⁹ و کلام خدا در تمام آن نواحی منتشر گشت.⁵⁰ اما یهودیان چند زن دیندار و متشخص و اکابر شهر را بشوراندند و ایشان را به زحمت رسانیدن بر پولس و برنابا تحریض نموده، ایشان را از حدود خود بیرون کردند.⁵¹ و ایشان خاک پایهای خود را

unto his fathers, and saw corruption:³⁷ But he, whom God raised again, saw no corruption.³⁸ Be it known unto you therefore, men and brethren, that through this man is preached unto you the forgiveness of sins:³⁹ And by him all that believe are justified from all things, from which ye could not be justified by the law of Moses.⁴⁰ Beware therefore, lest that come upon you, which is spoken of in the prophets;⁴¹ Behold, ye despisers, and wonder, and perish: for I work a work in your days, a work which ye shall in no wise believe, though a man declare it unto you.⁴² And when the Jews were gone out of the synagogue, the Gentiles besought that these words might be preached to them the next sabbath.⁴³ Now when the congregation was broken up, many of the Jews and religious proselytes followed Paul and Barnabas: who, speaking to them, persuaded them to continue in the grace of God.⁴⁴ And the next sabbath day came almost the whole city together to hear the word of God.⁴⁵ But when the Jews saw the multitudes, they were filled with envy, and spake against those things which were spoken by Paul, contradicting and blaspheming.⁴⁶ Then Paul and Barnabas waxed bold, and said, It was necessary that the word of God should first have been spoken to you: but seeing ye put it from you, and judge yourselves unworthy of everlasting life, lo, we turn to the Gentiles.⁴⁷ For so hath the Lord commanded us, saying, I have set thee to be a light of the Gentiles, that thou shouldest be for salvation unto the ends of the earth.⁴⁸ And when the Gentiles heard

بر ایشان افشاند، به ایقونیه آمدند.⁵² و شاگردان پر از خوشی و روح القدس گردیدند.

this, they were glad, and glorified the word of the Lord: and as many as were ordained to eternal life believed.⁴⁹ And the word of the Lord was published throughout all the region.⁵⁰ But the Jews stirred up the devout and honourable women, and the chief men of the city, and raised persecution against Paul and Barnabas, and expelled them out of their coasts.⁵¹ But they shook off the dust of their feet against them, and came unto Iconium.⁵² And the disciples were filled with joy, and with the Holy Ghost.